

اسماء الله را قبول نداشته باشیم (و بعضی از محققین قدیم و جدید قبول ندارند) باز هم تصور نمی‌کنم جوازی برای اینکه از هر فصل منسوب به خداوند يك اسم بسازیم، داشته باشیم.

باری، چنانکه گفته شد، جز در این يك مسأله، باقی مسائلی که در این بررسی کوتاه مطرح ساختیم، مربوط به ساخت و صورت، و از آن میان هم غالباً مربوط به حجم دائرةالفرانداست، و قطع نظر از این يك مسأله، احاطه مؤلف به کلیه مواد و شعب کار تحقیقی خود، از یکایک مدخلها و مقاله‌های دائرةالفرانداست بر می‌آید. و بیشک چنین فرهنگی محل نیاز همه قرآن پژوهان است.

احادیث نشده اند. اما شرح حال ابن بابویه (پدر) و ابن بابویه (پسر) در اینجا بی‌مناسبت می‌نماید.

- مقاله بین (بینه، بینک، بینهم و غیره) بسیار مفصل و در حدود ۱۹ صفحه است که به راحتی می‌توان به کمتر از يك صفحه تقلیلش داد. برای شناساندن این کلمه و حالات مختلف آن، نیازی به آن نیست که تمام آیاتی که این کلمه در آنها به کار رفته مفصلاً همراه با ترجمه و شرح فارسی بیاید. همچنین بحث فقهی راجع به حرمت جمع بین اختین، درست تر آن است که در ذیل کلمه اخت یا نکاح، یا جمع بیاید، نه زیر کلمه بین که هیچکس حدس نمی‌زند و ردش را نمی‌گیرد.

باری راجع به هو و هی هم با این روش می‌توان دوست صفحه بحث کرد، ولی آن دوست صفحه به اندازه يك صفحه افاده مرام می‌کند و بقیه‌اش راه دادن به معجم المفهرس است در فرهنگ لغات قرآن.

- در پایان جلد ۳ (ب) بحثی راجع به اسماء الله آمده است. بخشی از این بحث مانند سایر بحثهایی که در مورد اسماء و صفات الهی در کتب کلامی یا تفسیر آمده است. اما آنچه غریب است، اسامی جدیدی است که مؤلف با توجه به افعال الهی در قرآن، به نظر خود استنباط کرده. نگارنده این سطور صلاحیت علمی برای قضاوت در این باب ندارد اما تصور نمی‌کند تعداد اسماء یا صفات الهی برابر با تعداد افعال الهی یعنی افعالی که در قرآن یاد شده، باشد.

مثلاً نمی‌توان از فاذاقها الله لباس الجوع (نحل، ۱۱۲) المذیق (=چشاندنده) را بیرون کشید و اسم الهی نامید. یا از لعنهم الله (بقره، ۸۸؛ نساء، ۴۶ و چند آیه دیگر) اللعن ساخت یا از غضب الله عليهم (فتح، ۶ و آیات دیگر) الغاضب ساخت یا از الله يستهزئ بهم (بقره، ۱۵) المستهزی ساخت، یا از يعذبه الله، و يعذبهم الله، که در آیات عدیده آمده، المعذب ساخت، یا از و انه هو الذي اضحك و ابكى (نجم، ۴۳) المضحك و المبكى ساخت. علی الاصول ترك این کار - حتی اگر صریحاً هم در قرآن، و از ناحیه شارح نهی نشده باشد - اولیتر است. ولی مؤلف محترم دائرةالفرانداست به این کار پرداخته اند و فی المثل از بارکنافیها و بارکناعلیه، المبارک، و از تبارک الذی، یا تبارک الله، المتبارک بیرون کشیده اند، بطوریکه برای فقط این بخش (ب) بیست و يك اسم جدید، که در کتب کلام و تفسیر فریقین سابقه ندارد، از قبیل بالی و مبالی (آزماینده) مبیوه (جای دهنده)، باطش (خشم آور)، مبطل، مبکی (گریاننده) و نظایر آن بر ساخته اند. حتی اگر توقیفی بودن

## بررسی و نقد دو

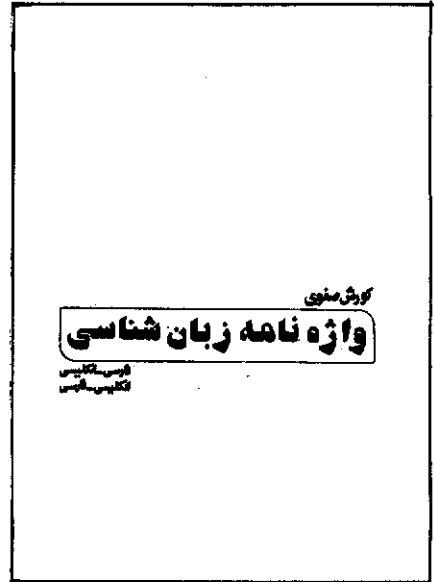
فرهنگ زبانشناسی. علی محمد ترابی. تبریز. انتشارات چهر. ۱۳۵۷. ۷۳ صفحه. ۱۰۰ ریال.  
واژه نامه زبانشناسی. کورش صفوی. تهران. انتشارات مجرد. ۱۳۶۱. ۱۷۴ صفحه. ۲۴۰ ریال.

### معرفی دو فرهنگ

۱. فرهنگ زبانشناسی فهرست ساده ای است از اصطلاحهای زبانشناسی که به شیوه حرف به حرف و به ترتیب حروف الفبای لاتین تنظیم شده و شامل اصطلاحهای انگلیسی این رشته و معادلهای فارسی آنهاست.

۲. واژه نامه زبانشناسی شامل دو بخش انگلیسی - فارسی و فارسی - انگلیسی است که به شیوه حرف به حرف و به ترتیب حروف الفبا تنظیم شده است. در مقابل هر اصطلاح نام کوتاه شده کتاب مأخذ و نام مؤلف یا مترجم آن (به سبک واژگان فلسفه و علوم اجتماعی به ویراستاری داریوش آشوری) قید شده و ظاهراً کوششی بوده است برای گردآوری اصطلاحهای موجود در متنها فارسی زبانشناسی.

اگرچه هیچ يك از این دو فرهنگ خالی از نقص نیست، ولی به عنوان گامهای نخستین در راه تهیه فرهنگ جامع و کامل



## هنگ زبانشناسی

مهشید مشیری

زبانشناسی مغتنم است. سعی ما بر این است که این دو فرهنگ را از جنبه صوری (اصول فرهنگ نویسی) و محتوایی (واژه سازی، کمبودها و غلطها) مورد بررسی قرار دهیم.

### ۱- اصول فرهنگنویسی (جنبه های صوری)

در تهیه این دو فرهنگ، بسیاری از اصول فرهنگنویسی رعایت نشده است که در اینجا به بعضی از آنها اشاره می کنیم: **الف) راهنمای استفاده از فرهنگ.** در هیچیک از دو فرهنگ درباره روش تدوین فرهنگ و شیوه تنظیم اصطلاحها، استفاده از نشانه ها، دلایل کاهش یا افزایش اصطلاحها، مرز اصطلاحها و غیره توضیحی داده نشده است.

**ب) تناسب کلی اصطلاحها.** هر يك از علوم به رشته های فرعی گوناگونی تقسیم می شود. (برای نمونه زبانشناسی شامل رشته های فرعی واجشناسی، نحو، آواشناسی، معناشناسی، زبانشناسی تاریخی، جامعه شناسی زبان و غیره است). معمولاً در تهیه فرهنگ تخصصی سعی می شود که تعداد اصطلاحهایی که از میان رشته های گوناگون ضبط می شود، با انواع رشته ها تناسب داشته باشد. این تناسب در هیچیک از دو فرهنگ مورد بحث رعایت نشده است. هرچند واژه نامه زبانشناسی مجموعه ای است از اصطلاحهای موجود در متنهای معدود زبانشناسی، ولی تناسب

کلی اصطلاحها در حد موجود هم رعایت نشده است. در اینجا به يك مورد که در هر دو فرهنگ مشترك است اشاره می کنیم، و آن فقدان اصطلاحهای مربوط به زبانشناسی تاریخی و طبقه بندی زبانهاست و هیچیک از این دو فرهنگ پاسخگوی نیاز کسانی که می خواهند در این زمینه مطالعه کنند، نیست. در فرهنگ زبانشناسی از میان تمام نامها و اصطلاحهای مربوط به رشته مزبور فقط واژه Indo-European «هند و اروپایی» ضبط شده است.

**ج) روابط صوری و معنایی اصطلاحها.** فرهنگ نباید مجموعه ای از اصطلاحها و واژه های غیر مرتبط و منزوی تلقی شود. بسیاری از اصطلاحها و واژه ها با یکدیگر روابط صوری و معنایی گوناگونی دارند، و این نکته در هنگام تدوین فرهنگ، باید مورد توجه قرار گیرد. در تهیه فرهنگهای مورد بحث توجهی به این روابط نشده است. در اینجا به مواردی از این دست بی توجهیها (به تفکیک صوری بودن یا معنایی بودن روابط) اشاره می کنیم:

۱. روابط صوری: هیچ يك از دو فرهنگ، از نظر ضبط مجموعه اصطلاحهایی که با یکدیگر رابطه صوری دارند، یکدست نیست. یکی از مواردی که در هر دو فرهنگ مشترك است، نحوه ضبط صفتها و اسمها است. برای مثال صفتهای labal «لبی» و velar «نرمکامی» و همچنین اسمهای آنها lip «لب» و velum «نرمکام» ذکر شده است ولی در موارد دیگر چون alveolar «لثوی» و dental «دندانی» فقط صفت ذکر شده و اسمهای آنها یعنی tooth ridge «لته» و tooth «دندان» ذکر نشده است.

۲. روابط معنایی: از نظر ضبط مجموعه اصطلاحهایی که با یکدیگر رابطه معنایی دارند نیز در فرهنگهای مورد بحث یکدستی وجود ندارد و در بعضی موارد فقط به ذکر يك یا چند اصطلاح از این گونه مجموعه ها اکتفا شده است. در اینجا به چند نمونه که در هر دو فرهنگ مشترك است، اشاره می کنیم: از اصطلاحهای adjective «صفت»، verb «فعل»، noun «نام» و غیره که نام اجزای کلام است، در فرهنگ زبانشناسی فقط اصطلاح اول و در واژه نامه زبانشناسی فقط اصطلاحهای دوم و سوم ضبط شده است. همچنین از میان نام تمام اندامهای گفتار تنها lip «لب»، uvula «زبان کوچک» و tongue «زبان» ضبط شده است و نام دیگر اندامها که به همان اندازه، یا بیشتر در تولید آوا دخالت دارند، ضبط نشده است. ضمناً در هر دو فرهنگ، اصطلاحهای انگلیسی مترادف، جداگانه ضبط شده است، ولی در هیچ جا مترادف بودن آنها مشخص نشده است. برای مثال، اصطلاحهای duration

اصطلاح inflexional را با املائی بریتانیایی ضبط کرده است و واژه نامه زبانشناسی، آن را با هر دو املائی بریتانیایی و آمریکایی و با دو معنی متفاوت آورده است: اولی inflexional «مقوله صرفی» (اختیار / معنی شناسی) و دومی inflectional «صرفی» (تراپی فرهنگ).

ز) استفاده از نشانه‌ها، معمولاً در فرهنگ‌نویسی برای تعیین مشخصات مختلف اصطلاحها از نشانه‌های گوناگونی استفاده می‌شود. هر نشانه، نقش معرفی یک یا چند مشخصه نزدیک به هم را، مربوط به یک اصطلاح خاص، به عهده دارد. نشانه‌ها و نقش آنها باید دقیقاً معلوم باشد. مثلاً از نشانه مساوی برای نشان دادن مترادفها و صورتهای تلفظی یا املائی اصطلاحها، از ویرگول برای جدا ساختن واژه‌های هم معنی، از خط تیره کوچک برای جدا کردن معنی‌های گوناگون، از گروه یا پرانتز برای تعیین رشته‌ها و مقوله‌های مربوط به اصطلاح... می‌توان استفاده کرد. فرهنگهای مورد بحث از نظر استفاده از نشانه‌هایی مانند پرانتز، خط تیره و ویرگول یکدست نیستند و این خود گاهی موجب سردرگمی استفاده کنندگان می‌شود.

ح) اشتباههای موجود در منابع. در آخر کتاب معنی شناسی، تألیف منصور اختیار که جزو منابع واژه نامه زبانشناسی بوده است، برابر نامه‌ای چاپ شده که دارای اشتباههایی است. در اینجا قصد ما بررسی کتاب مزبور و نقد برابر نامه منضم به آن نیست و اشاره به آن فقط به این منظور است که در هنگام وارد کردن اصطلاحهای موجود در برابر نامه بسیاری از اشتباهها به واژه نامه زبانشناسی منتقل شده است. برای نمونه اصطلاحهای

- alternation
- alternation change
- alternation irregular
- alternation regular
- alternation sporadic

به همان صورت که در معنی شناسی آمده (بدون ویرگول در بین آنها) در واژه نامه زبانشناسی نیز ضبط شده است. بدیهی است که این اصطلاحها صفت و موصوف است و صفت و موصوف در زبان انگلیسی در مقایسه با فارسی، مقلوب می‌شود، بنابراین ضبط اصطلاحها به صورت فوق، از نظر ساخت دستوری غلط است، مگر اینکه هر یک از ترکیبهای فوق را با ویرگول از یکدیگر جدا کنیم که این کار هنگام تنظیم فرهنگ به روش واژه به واژه انجام می‌گیرد، حال آنکه واژه نامه زبانشناسی به شیوه حرف به حرف

«دیرش - امتداد» و length «دیرش - امتداد - کشش»، و نیز rolled «غلطان» و trill «زنشی - لرزشی - تکریری» ضبط شده است، ولی مترادف بودن آنها مشخص نیست. و نیز از دو اصطلاح مترادف mother tongue و native language «زبان مادری» در فرهنگ زبانشناسی، اصطلاح اول و در واژه نامه زبانشناسی، اصطلاح دوم ضبط شده است.

د) تعیین رشته و مبحث اصطلاحها. در هر دو فرهنگ، گاه علم یا رشته مربوط به بعضی از اصطلاحها، در داخل پرانتز ذکر شده است در اینجا به چند نمونه که در هر دو فرهنگ مشترک است، اشاره می‌کنیم:

- fundamental (در آواشناسی فیزیکی)،
- deviance (در سبک‌شناسی)
- antecedent (مرجع (در نحو))
- contour (پایانه (در آهنگ جمله))

در حالیکه در مورد برخی دیگر از اصطلاحها این کار صورت نگرفته است.

ه) ربط واژه‌ها به زبانشناسی. در هر دو فرهنگ به واژه‌هایی بر می‌خوریم که از نظر علم زبانشناسی معتبر نیست و یا ارتباط چندانی با آن ندارد و ذکر آنها صرفاً بر حجم فرهنگها افزوده است. مانند واژه‌های: deductory «دور»، deduction «قیاس»، induction «استقراء»، که هر سه مربوط به منطق است؛ accident «عرض» که مربوط به فلسفه است، و iambic pentameter «وزن پنج یایی» که مربوط به عروض است و دهها واژه دیگر از این دست، که در هر دو فرهنگ وارد شده است و حال آنکه بسیاری از اصطلاحهایی که جزو زبانشناسی است و یا مستقیماً به آن مربوط می‌شود، مانند noun «اسم» labio-velar «لبی - ملازی»، cacuminal «سختکامی» lexical morpheme «تکواژ قاموسی» و دهها واژه دیگر که در منابع فرهنگهای مورد بحث وجود داشته، وارد نشده است.

و) نوع املائی اصطلاحها. معمولاً در فرهنگهای دو زبانه انگلیسی و یک زبان دیگر، از دو نوع املائی انگلیسی بریتانیایی و انگلیسی آمریکایی، یکی را به عنوان اصلی و دیگری را به عنوان فرعی در نظر می‌گیرند و املائی فرعی را به املائی اصلی ارجاع می‌دهند. در تهیه فرهنگهای مورد بحث، این قاعده رعایت نشده است. برای مثال در هر دو فرهنگ، اصطلاحهای program و timber با املائی آمریکایی ولی اصطلاح behaviour با املائی بریتانیایی ضبط شده است. فرهنگ زبانشناسی،

## فرهنگ زبان‌شناسی

نویسنده

محمد علی لاری

اشاره شده است که «... مابقی اصطلاحها کوششی است از نگارنده که خود از دانشجویان این رشته می‌باشد» البته به کار بردن کلمه «کوشش» برای «مابقی اصطلاحها» مبهم و چند پهلو است ولی می‌توان حدس زد که مؤلف برای تکمیل واژه‌نامه تصمیم گرفته است که بعضی از اصطلاحهایی را که در متنها نیامده است، گردآوری کند و برای آنها برابری جعل کند و به واژه‌نامه بیفزاید و این کار را «کوششی» از جانب خود تلقی کند و درباره اینک این «مابقی اصطلاحها» از کجا آمده است و مبنای جمع‌آوری، انتخاب و یا معیار ساختن آنها چه بوده است، سخنی به میان نیاورد. در اینجا برای روشن شدن این نکته، «کوشش» مؤلف واژه‌نامه را تعبیر و بر مبنای آن، این «مابقی، اصطلاحها» را دسته‌بندی می‌کنیم:

- اصطلاحهای انگلیسی که با معادل‌های فارسی‌شان در منابع مورد استفاده ایشان موجود بوده است: بسیاری از این «مابقی اصطلاحها» که در واژه‌نامه وجود دارد و مؤلف آنها را «کوششی» از جانب خود خوانده است، در واقع در میان منابع مورد استفاده ایشان موجود بوده است. در اینجا چند نمونه از دهها مورد ذکر می‌شود. نام منابع و کسانی که این اصطلاحها را به کار برده‌اند در داخل پراکنش آمده است:

continuant پیوسته (حق شناس / آواشناسی)

linguistic زبانی (حق شناس / آواشناسی)

linguistic sign نشانه زبانی (بدره ای / سیری در زبان‌شناسی)

process فرایند (باطنی / زبان‌شناسی جدید، حق شناس / آواشناسی و ترابی / فرهنگ)

respiratory organs اندامهای تنفسی (حق شناس / آواشناسی)

- اصطلاحهای ترکیبی: برخی از این «مابقی اصطلاحها» از ترکیب واژه‌های مصطلح مستقل ساخته شده است و این اصطلاحهای ترکیبی در بسیاری از موارد از لحاظ علمی فاقد ارزش است. البته بنا به خصلت زبانی زبان می‌توان بینهایت واژه ساخت ولی در یک فرهنگ تخصصی باید سعی کرد که فقط واژه‌های مرکبی را که واقعاً مصطلح است و اهل فن درباره آنها اتفاق نظر دارند آورد. در اینجا چند معادل ترکیبی را به عنوان مثال ذکر می‌کنیم:

channel - free مجرا - آزاد

channel of communication مجرای ارتباطی

cognitive psychology روانشناسی شناخت

cognitive response پاسخ شناختی

تنظیم شده است. بنابراین اصطلاحهای فوق می‌بایست به صورت زیر تنظیم می‌شد:

change alternation

irregular alternation

regular alternation

sporadic alternation

## ۲- واژه‌سازی، کمبودها و غلطها

### الف) واژه‌سازی

۱. در فرهنگ زبان‌شناسی گاه به اصطلاحهایی برمی‌خوریم که در منابع فارسی وجود نداشته است و اگرچه می‌توان حدس زد که این اصطلاحها از منابع انگلیسی گرفته شده است، ولی مشخص نیست که معادل‌های فارسی از کجا آمده است؟ مثالهای زیر نمونه‌هایی از این دست اصطلاحها است:

honorific terms «اصطلاحهای محترمانه»

restricted code «کد محدود»

elaborated code «کد گسترده»

اینکه مؤلف فرهنگ به واژه‌سازی نیز دست زده است یا نه برای ما روشن نیست و خود او نیز به این نکته اشاره نکرده است.

۲. در واژه‌نامه زبان‌شناسی در قسمت مقدمه به این نکته

- جومسکی، تألیف جان لاینز، ترجمه احمد سمیعی.  
 - نوای گفتار در زبان فارسی، تألیف وحیدیان کامیار.  
 دلایل انتخاب بعضی منابع و نیز حذف بعضی دیگر، در هیچ  
 يك از دو فرهنگ ذکر نشده است. مثلاً مشخص نشده است که چرا  
 از منابع فوق و نیز از کتابهایی نظیر:  
 زبانشناسی و کاربرد آن در زبان فارسی، تألیف ابوالحسن  
 نجفی،

دستور زبان فارسی، تألیف پرویز ناتل خانلری،  
 زبانشناسی و زبان فارسی، تألیف پرویز ناتل خانلری،  
 تاریخ زبان فارسی (جلد دوم، سوم و چهارم) تألیف پرویز ناتل  
 خانلری،

زبانشناسی چیست، تألیف سوزت هیدن الیگن. ترجمه محمد  
 ضیاء حسینی،  
 وزن شعر فارسی، تألیف پرویز ناتل خانلری استفاده نشده  
 است و چرا از مقاله‌های متعددی که در دوره‌های مجله‌های مختلف  
 چون فرهنگستان زبان، فرهنگ و زندگی، سخن، یغما، راهنمای  
 کتاب و نشریه‌های دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاهها  
 درج شده، استفاده نشده است؟ حال آنکه برای گردآوری  
 اصطلاحهای زبانشناسی نه تنها باید از این منابع شناخته شده،  
 بلکه از هر منبعی که به نحوی با مباحث زبانشناسی مربوط است  
 باید استفاده کرد.

۲. ذکر نکردن تمام منابع مورد استفاده: برخی از  
 اصطلاحهایی که در فرهنگ زبانشناسی وارد شده، مربوط به کتاب  
 نوای گفتار در زبان فارسی (تألیف وحیدیان کامیار) است. ولی نام  
 کتاب در فهرست منابع فرهنگ نیامده است. برای مثال  
 اصطلاحهای

melody (of speech) (نوای گفتار)  
 tone group واحد آهنگین  
 prehead پیش‌سر

و چندین اصطلاح دیگر که در سایر منابع فرهنگ وجود ندارد، از  
 کتاب مزبور گرفته شده است.

این اصطلاحها در واژه‌نامه زبانشناسی با مأخذ ترابی /  
 فرهنگ که یکی از منابع واژه‌نامه بوده، ضبط شده است.

همچنین در واژه‌نامه زبانشناسی در مقابل بعضی از  
 اصطلاحها مانند mediational میانجی، measurement سنجش،  
 correlation coefficient ضریب همبستگی و چندین اصطلاح  
 دیگر، مأخذ نیلی‌پور / مقاله، قید شده است که ظاهراً منظور مقاله

conditional probability احتمال شرطی

- اصطلاحهای بدیهی: بسیاری از «ماقی اصطلاحها» را نیز  
 که مؤلف مدعی شده خود جعل کرده است در هر فرهنگ معمولی  
 انگلیسی - فارسی می‌توان یافت. در اینجا به چند نمونه از دهها  
 مورد اشاره می‌کنیم:

question	پرسش
dictation	املا
passive	مجهول
elucidate	توضیح دادن
describe	توصیف کردن

(ب) کمبودها

۱. استفاده نکردن از تمام منابع: در تهیه فرهنگ جامع  
 تخصصی باید تا حد امکان از تمام منابع موجود بهره برد، نه اینکه  
 تنها به چند منبع که در دسترس است اکتفا کرد. استفاده از  
 کتابشناسی موضوعی نخستین و ساده‌ترین کار برای شناسایی و  
 دستیابی به منابع هر رشته است. هر چند تعداد کتابها و مقاله‌هایی  
 که در زمینه زبانشناسی و زبان به فارسی نوشته یا ترجمه شده است  
 اندک است. ولی منابعی که برای فرهنگهای مورد بحث انتخاب و  
 استفاده شده از آن هم کمتر است و بسیاری از کتابها و مقاله‌هایی  
 را که در زمان تهیه فرهنگهای مورد نظر چاپ و منتشر شده بوده  
 است در بر نمی‌گیرد. از جمله منابع زیر جزو منابع فرهنگ  
 زبانشناسی نیامده‌اند:

- سیری در زبانشناسی، تألیف جان. تی. واترمن، ترجمه  
 فریدون بدره‌ای.

- چهار گفتار درباره زبان، تألیف محمدرضا باطنی.

- نگاهی تازه به دستور زبان، تألیف محمدرضا باطنی.

- زبانشناسی جدید، تألیف مانفرد بی‌یرویش، ترجمه  
 محمدرضا باطنی.

- مقاله‌های مربوط به زبانشناسی (به جز سه مورد).  
 ضمناً مبنای انتخاب کتابهای انگلیسی که به عنوان منبع  
 معرفی شده است و نقشی که در تهیه فرهنگ زبانشناسی داشته  
 است معلوم نیست.

در واژه‌نامه زبانشناسی نیز از بسیاری از مقاله‌های  
 زبانشناسی و همچنین از کتابهای زیر استفاده شده است:  
 - زبان و زبانشناسی، تألیف رابرت. ا. هال، ترجمه محمدرضا  
 باطنی.

سنجش معنی در روانشناسی زبان، نوشته رضا نیلی پور، پژوهشنامه فرهنگستان زبان ایران، ش ۳، ۱۳۵۷ بوده است. اما این مقاله در میان منابع واژه نامه معرفی نشده است.

۳. ذکر نکردن تمام مراجعی که يك واژه را آورده اند: در واژه نامه زبانشناسی چنان که در مقدمه واژه نامه زبانشناسی آمده، قرار بوده است که در کنار هر اصطلاح، نام کوتاه شده مرجع با نام مؤلف یا مترجم آن قید شود. اما این کار در مورد بسیاری از اصطلاحها نشده است و در کنار آنها به ذکر يك مرجع و نام يك زبانشناس اکتفا شده است، حال آنکه این اصطلاحها در کتابها یا مقاله های دیگری که جزو منابع واژه نامه بوده است، نیز به کار رفته است. در اینجا به چند نمونه از دهها مورد اشاره می کنیم:

consonant همخوان، میلانیان / مقالات (این معادل در حق شناس / آواشناسی هم آمده است).

consonant صامت، خانلری / تاریخ زبان فارسی (این معادل در باطنی / مسایل زبانشناسی، باطنی / توصیف ساختاری و بدره ای / سیری در زبانشناسی نیز آمده است).

aspiration دمش، باطنی / توصیف ساختاری (این معادل در حق شناس / آواشناسی، باطنی / مسایل زبانشناسی نیز آمده است).

۴. ضبط نکردن تمام اصطلاحها: قاعدتاً اصطلاحهای يك فرهنگ باید حداقل در چارچوب منابع آن کامل باشد. و چنانچه بعضی از اصطلاحها بنا به دلایلی مانند بی ربط بودن، زاید بودن، غلط بودن و غیره حذف می شود، باید در مقدمه فرهنگ به آن اشاره شود. در فرهنگهای مورد بحث بسیاری از اصطلاحهای تخصصی موجود در منابع ضبط نشده و دلیلی نیز برای این کار ذکر نشده است. شاید بتوان دلایلی زیر را برای آن بر شمرد:

- اکتفا به واژه نامه های پایان منابع. به نظر می رسد که در تهیه فرهنگهای مورد بحث صرفاً به برابرنامه های انتهای منابع مورد استفاده اکتفا شده باشد. زیرا بعضی از اصطلاحهای لازم و اساسی که در متن منابع مورد استفاده مؤلفان این فرهنگها به کار رفته ولی در برابرنامه آخر منابع نیامده، ضبط نشده است. برای نمونه بعضی از این اصطلاحها مربوط به کتاب تاریخ زبان فارسی تألیف پرویز ناتل خانلری (جلد اول) است که جزو منابع هر دو فرهنگ است. البته این اصطلاحها به زبان فرانسه است که می بایست به انگلیسی تبدیل می شد. ولی ظاهراً مشکل بودن تبدیل آنها سبب شده است که برغم اهمیت آنها مؤلفان از ضبط آنها منصرف شوند. ناگفته نماند که معادلهای انگلیسی بعضی از این

اصطلاحهای فرانسوی در متن کتاب تاریخ زبان فارسی داده شده است و چنانچه مؤلفان فرهنگهای مورد بحث، متن کتاب را مرور می کردند، این معادلهای را می دیدند. در اینجا به برخی از این اصطلاحها که در هیچ يك از دو فرهنگ ضبط نشده است، اشاره می کنیم:

présent اکتون (زمان)، préterit (passé) گذشته (زمان)، préverbe پیشوند فعل و بسیاری از اصطلاحهای دیگر که در متن کتاب در کنار هر اصطلاح، معادلهای انگلیسی آن، با ترتیب préverb, preterit, present, palatal fricative، ذکر شده است. (تعداد این گونه اصطلاحهای ضبط نشده در واژه نامه زبانشناسی به مراتب بیش از فرهنگ زبانشناسی است). بعضی دیگر از اصطلاحهایی که بر اثر بی اعتنایی به متن و اکتفا به برابرنامه آخر کتاب منبع، ضبط نشده است مربوط به کتاب آواشناسی تألیف علی محمد حق شناس است، که جزو منابع هر دو فرهنگ بوده است. برای مثال اصطلاحهای nonfricative «ناسوده» و nonsibilant «پاشیده» در هیچ يك از دو فرهنگ ضبط نشده است.

- بی دقتی در مطالعه منابعی که فاقد برابرنامه بوده است. یکی از منابعی که در تهیه هر دو فرهنگ مورد استفاده قرار گرفته است، کتاب زبانشناسی جدید، تألیف مانفرد بی پرویش، ترجمه محمدرضا باطنی است که فاقد برابرنامه است. در هر دو فرهنگ از تمام این کتاب فقط ۶ اصطلاح که در متن، معادل انگلیسی آنها در کنارشان آمده، ضبط شده و از دهها اصطلاح لازم و اساسی که فاقد معادل انگلیسی بوده، چشم پوشی شده است. در اینجا به چند نمونه که در هر دو فرهنگ مشترک است، با ذکر شماره صفحه کتاب زبانشناسی جدید، (چاپ اول، تابستان ۱۳۵۵) اشاره می کنیم: تولید (صفحه ۹۹)، زبان بشری (صفحه ۲۳)، اسم (صفحه ۵۴)، سطح واجی (صفحه ۵۲) و چندین اصطلاح دیگر. معادلهای انگلیسی این اصطلاحها که در فرهنگ ضبط نشده است، به ترتیب phonetic level, noun, human language, generation است.

۵. وارد نکردن معادلهای مترادف: بعضی از اصطلاحهای تخصصی دارای معادلهای و مترادفهای مختلفی است که باید در واژه نامه تخصصی به آنها اشاره شود. فرهنگهای مورد بحث، در مقابل بسیاری از اصطلاحهای زبانشناسی، تنها به ذکر يك معادل فارسی اکتفا کرده اند. در حالی که در کتابها یا مقاله های دیگری که جزو منابع آنها بوده است، معادل یا معادلهای دیگری نیز برای آن اصطلاحها به کار رفته است که مورد قبول اهل این علم است.

اصطلاح نیز نبوده است. و یا در مقابل equivalence که اسم است، به جای «همپایگی»، «همپایه» را که صفت است، ضبط کرده است. غلط‌های دستوری دیگری هم در این فرهنگ هست.

در فرهنگ زبانشناسی نیز یکی دو مورد غلط دستوری وجود دارد. برای مثال در مقابل affirmation که اسم است، معادل «مثبت - خبری» که صفت است، ضبط شده است. (ناگفته نماند که مثبت و خبری مترادف هم نیست و جمله مثبت یا اینجایی خود از اقسام جمله خبری است.)

۲. غلطهای چاپی: در هر دو فرهنگ غلطهای چاپی متعدد وجود دارد، بی‌آنکه غلطنامه‌ای ضمیمه شده باشد.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت تفاوت فرهنگهای مورد بحث این است که در واژه‌نامه زبانشناسی دامنه کار از نظر ذکر مرجع و نام مؤلف یا مترجم و نیز افزودن قسمت فارسی - انگلیسی به آن، گسترده تر شده است. ولی در بسیاری از موارد اشکالهایی که در فرهنگ زبانشناسی وجود داشته، متأسفانه نه تنها در واژه‌نامه زبانشناسی تکرار شده بلکه اشکالهایی تازه‌ای نیز به آنها افزوده شده است.

البته برای رسیدن به واژه‌نامه‌ای جامع و نسبتاً کامل در زبانشناسی، باید راهی دراز پیموده شود و هر کوششی به منزله گامی است که در این راه برداشته می‌شود و لغزش و اشتباه اندک در نخستین گامها قابل اغماض است و از قدر کوشش نمی‌کاهد. ولی می‌تواند هشدار می‌باشد برای آنها که می‌خواهند گامهای بعدی را در این راه بردارند.

در اینجا فقط به چند نمونه که در هر دو فرهنگ مشترک است، اشاره می‌کنیم. معادلهای دیگر و منابعی که آنها را به کار برده‌اند، در داخل پرانتز نوشته شده است:

accusative حالت مفعول بی‌واسطه (حالت رایبی، خانلری / تاریخ زبان فارسی و اختیار / معنی شناسی)  
 distinctive تمایز دهنده (ممیزه، حق شناس / آواشناسی، مفارق، خانلری / تاریخ زبان فارسی)  
 phoneme واج (واک خانلری / تاریخ زبان فارسی)  
 و موارد متعدد دیگر. (تعداد این گونه کمبودها در واژه‌نامه زبانشناسی به مراتب بیشتر از فرهنگ زبانشناسی است.)

### ج) غلطها

۱. غلطهای دستوری: در ضبط اصطلاحهای تخصصی در يك فرهنگ، همان‌طور که به ارتباط معنایی آن با معادل فارسی توجه می‌شود، باید ارتباط دستوری آنها را نیز در نظر گرفت. بعضی از اصطلاحهای ضبط شده در واژه‌نامه زبانشناسی، که اغلب نتیجه «کوششهای» مؤلف واژه‌نامه بوده است، از نظر دستوری غلط است. برای نمونه در مقابل اصطلاح dichotomies که اسم است و جمع، به جای معادل «دوگانگیها» معادل «دوگانه» که صفت است و مفرد، آمده است. و در مقابل register tone که مضاف و مضاف‌الیه است به جای معادل «نواخت گونه کاربردی»، معادل «گونه کاربردی نواخت» گذاشته شده است. یعنی مضاف و مضاف‌الیه جابه‌جا شده است. ظاهراً مؤلف متوجه معنی این

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی

### تقاضا

در این نشریه آیات قرآنی و اسماء الهی برای مزید استفاده خوانندگان محترم عیناً نقل و چاپ شده است. علی‌هذا لازم است خوانندگان در هنگام استفاده از نشریه، احترام لازم به صورت آیات قرآن و اسماء الهی را رعایت کنند و از انداختن نشریه در مواضع هتك خودداری کنند